گفت‌وگو با آیدا شاملو به مناسبت تجدید چاپ «بام بلند هم‌چراغی»

# نسخه منقح مجموعه اشعار شاملو

**شرق: «بام بلند هم‌چراغی»، با عنوان فرعی «با آیدا درباره احمد شاملو»، شامل گفت‌وگوی مفصل سعید پورعظیمی با آیدا شاملو درباره احمد شاملو است که چند سال پیش منتشر شده بود و به‌تازگی چاپ تازه‌ای از آن در نشر نو منتشر شده است. این گفت‌وگوی طولانی در طول چند سال انجام شده و در آن درباره موضوعات مختلف مرتبط با شاملو صحبت شده است. آیدا شاملو در بخشی از این کتاب به غلط املایی اشاره کرده که در انتشار مجموعه اشعار شاملو وجود داشته است. مجموعه اشعار شاملو سال‌هاست زیر نظر او با ویراستاری نشر ثالث منتشر شد و تا امروز براساس چاپ شده است. در چاپ آخر مجموعه اشعار شاملو در نشر ثالث نام غلط‌های موجود در کتاب با نظارت آیدا شاملو اصلاح شده است و حالا این‌ها همه اتفاقاتی است که بعد از شاملو روی داد و اینجا در زمان حیات شاعر منتشر شده بود. به چاپ رسیده است. به‌مناسبت تجدید چاپ «بام بلند هم‌چراغی» و همچنین انتشار بدون غلط مجموعه اشعار شاملو در نشر نگاه، با آیدا شاملو گفت‌وگو و از او درباره نظارت بر چاپ آثار شاملو و همچنین انتشار «کتاب کوچه» سؤال کردایم.**

**■ به‌تازگی کتاب «بام بلند هم‌چراغی» که شامل گفت‌وگویی مفصل با شما درباره احمد شاملو است، تجدید چاپ شده است. در چایی از این کتاب، شما اتفاقاتی به چاپ مجموعه اشعار احمد شاملو داشتید و گفته بودید که در برخی از شعرها غلط‌های آشکاری وجود دارد که ضروری است اصلاح شود. آیا در چاپ‌های جدید مجموعه اشعار شاملو این غلط‌ها اصلاح شده‌اند؟**

بله در چاپ‌های جدید مجموعه اشعار شاملو از سال ۱۳۹۷ به بعد تمام اشتباهات تایپی و غلط‌ها اصلاح شده و کتاب کاملا دقیق و بی‌اشتباه است.

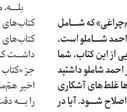

**بام بلند هم‌چراغی**
با آیدا درباره احمد شاملو
**سعید پورعظیمی**
**نشر نو**

**■ لطفا درباره غلط املایی که در چاپ‌های قبلی مجموعه اشعار شاملو وجود داشت، کمی توضیح دهید. آیا اشتباهات تایپی بودند یا غلط‌های عمدتری هم در شعرها وجود داشت؟**

هم برخی اشتباه‌های تایپی وجود داشت و هم غلط‌هایی که می‌توان آنها را غلط‌های عمدی نامید که در چاپ اول کتاب طی حروفچینی آقای یعقوب‌شاهی ایجاد شده بود. متأسفانه مدتی طول کشید تا ما به وجود چنین غلط‌هایی پی بردیم؛ یعنی بعد به‌مرور هر بار سراغ شعری رفتیم با هنگام مقایسه و تطبیق شعری با چاپ‌های قبلی در متوجه می‌شدیم که بعضی کلمات شعر تغییر داده شده یا جای سطرها و مواردی در توضیحات انتهای کتاب پس و پیش شده است.

**■ این غلط‌ها فقط در چاپ مجموعه اشعار وجود داشت یا در ترجمه‌ها و نمایش‌نامه‌ها و دیگر آثار هم این غلط‌ها دیده می‌شود؟**

در ترجمه‌ها اگر اشتباهی وجود داشته باشد، اشتباهات تایپی است و مواردی جزئی که معمولا هنگام چاپ کتاب پیش می‌آید اما در چاپ‌های اولِ مجموعه اشعار حروفچین کارهایی کرده بود که چون انتظارش نمی‌رفت ما هم زود متوجه‌شان نشدیم و به این ترتیب مدتی طول کشید تا توانستیم مجموعه اشعار را به طور کامل اصلاح و اشکالات آن را برطرف کنیم. انتشارات نگاه که نام مجموعه اشعار شاملو را هم‌زمان با این اشتباهات از انتشارات ثالث اجازه گرفت و باز دوباره ما اشتباهات نشدن‌ها را تا امروز براساس چاپ شده است. در چاپ آخر مجموعه اشعار شاملو در نشر نگاه تمام غلط‌های موجود در کتاب با نظارت آیدا شاملو اصلاح شده است و حالا این‌ها همه اتفاقاتی است که بعد از شاملو روی داد و اینجا در زمان حیات شاعر منتشر شده بود. به چاپ رسیده است.

**■ به‌مناسبت تجدید چاپ «بام بلند هم‌چراغی» و همچنین انتشار بدون غلط مجموعه اشعار شاملو در نشر نگاه، با آیدا شاملو گفت‌وگو و از او درباره نظارت بر چاپ آثار شاملو و همچنین انتشار «کتاب کوچه» سؤال کردایم.**

بله. من و همکارم در این سال‌ها به مرور اغلب کتاب‌های شاملو را به دقت اصلاح کرده‌ایم. بالطبع، در کتاب‌های دیگر هم حافظه‌ادبی و اشتباهات تایپی وجود داشت که در طول این سال‌ها اغلب اصلاح شده است. به جز «کتاب کوچه» که جدا از دیگر آثار است. در سال‌های اخیر همان را کداشته‌ایم بر آنکه یکایک کتاب‌های شاملو را به دقت اصلاح کنیم و نسخه‌ای منقح برای چاپ‌های بعدی در اختیار ناشرها قرار دهیم. از ناشرهای آثار شاملو خواستیم هر کتابی از او را پیش از تجدید چاپ برای اصلاح و غلط‌گیری به ما برسانند. یکبار من و یک‌بار هم خانم سپهری آنها را با چاپ‌های قبلی و اصلاحات احتمالی مؤلف در کتاب‌ها مطابقت داده‌ایم و هر اشکال و کموکاستی بوده برطرف کرده‌ایم. ناشر کتاب را برده و نسخه‌ای را که اصلاحات در آن اعمال شده برای بازخوانی آورده و به این ترتیب کتاب بارها رفته و آمده تا کاملا بدون اشتباه چنان منتشر شود که شایسته نام کرل‌فرد شاملو و حق مخاطبان گرامی آثار اوست.

**■ اگر اشتباه نکنم شاملو در زمان حیاتش در برخی از شعرهایش که پیش‌تر منتشر شده بود هم تجدیدنظرهایی می‌کرد و دوراقه‌ای او در چاپ‌های جدیدتر برخی از دفترهای شعرش اصلاحاتی انجام می‌داد. آیا معیار شما در تنقیح شعرها، آخرین نسخه‌ای است که در زمان حیات شاملو منتشر شده بود؟**

بله، ما بر اساس آخرین نسخه‌هایی که شاملو در زمان حیاتش دیده بود و با درنظرگرفتن آخرین تغییراتی که او در شعرها به وجود آورده بود، دست به تطبیق و اصلاح زدیم.

**■ «کتاب کوچه» در چه مرحله‌ای است؟**

کار «کتاب کوچه» خیلی آهسته پیش می‌رود، چراکه کارهای خیلی زیاد، وقت‌گیر و دقیقی هست. کار هر مجلد کتاب کوچه با استخراج و تنظیم فهرست مدعیات پیشین هم کلمه (مدخل، حرف جدید فارسی) می‌شود... سپس به کار آماده‌سازی فیش‌های شاملو می‌پردازیم که شامل یادداشتی ارجاعات، شاهد مثال‌ها و مابعی است که او خود برای برخی مدخل‌ها یادداشت کرده و نیز پیدا کردن مترادف‌های هر مدخل، ارجاعات درون‌متنی و فرنس‌ها، پس از این مرحله نوبت به مرتب‌کردن و شماره‌زدن فیش‌ها می‌رسد و سپس تهیه و تنظیم فهرست‌ها که شامل فهرست تزکیات و اصطلاحات، فهرست موضوعی، فهرست اعلام، کتابشناسی و... است. این کار زمان و کار زیادی می‌برد. بعد از همه این‌ها اصلاح و غلط‌گیری هم را می‌برد و کار را حروفچینی و صفحه‌بندی می‌کند و تازه، کار نمونه‌خوانی نسخه حروفچینی‌شده آن حرف آغاز می‌شود که کاری است بسیار دقیق و با یکی، دو بار خواندن به‌درستی و با کیفیتی که مد نظر ماست. قطع و کلمه مقایسه کردیم. در واقع یک‌بار من این کار را انجام دادم و یک‌بار هم همکارم، خانم سپهری. کل مجموعه را و او به واو با نسخه‌های چاپ و اصلاح‌شده پیشین مقایسه کرد. همه این اصلاحات از چاپ سال ۱۳۹۷ در این اثر اعمال شده و حالا دیگر امید داریم که در آن متوجه می‌شدیم که بعضی کلمات شعر تغییر داده شده یا جای سطرها و مواردی در توضیحات انتهای کتاب پس و پیش شده است.

**■ این غلط‌ها در چاپ مجموعه اشعار وجود داشت یا در ترجمه‌ها و نمایش‌نامه‌ها و دیگر آثار هم این غلط‌ها دیده می‌شود؟**

در ترجمه‌ها اگر اشتباهی وجود داشته باشد، اشتباهات تایپی است و مواردی جزئی که معمولا هنگام چاپ کتاب پیش می‌آید اما در چاپ‌های اولِ مجموعه اشعار حروفچین کارهایی کرده بود که چون انتظارش نمی‌رفت ما هم زود متوجه‌شان نشدیم و به این ترتیب مدتی طول کشید تا توانستیم مجموعه اشعار را به طور کامل اصلاح و اشکالات آن را برطرف کنیم. انتشارات نگاه که نام مجموعه اشعار شاملو را هم‌زمان با این اشتباهات از انتشارات ثالث اجازه گرفت و باز دوباره ما اشتباهات نشدن‌ها را تا امروز براساس چاپ شده است. در چاپ آخر مجموعه اشعار شاملو در نشر نگاه تمام غلط‌های موجود در کتاب با نظارت آیدا شاملو اصلاح شده است و حالا این‌ها همه اتفاقاتی است که بعد از شاملو روی داد و اینجا در زمان حیات شاعر منتشر شده بود. به چاپ رسیده است.

**■ به‌مناسبت تجدید چاپ «بام بلند هم‌چراغی» و همچنین انتشار بدون غلط مجموعه اشعار شاملو در نشر نگاه، با آیدا شاملو گفت‌وگو و از او درباره نظارت بر چاپ آثار شاملو و همچنین انتشار «کتاب کوچه» سؤال کردایم.**

بله. میدوارم. ببینید مجموعه‌اشعار شاملو کاتبی قطور است و در یک‌بار برخواندنی فقط ایرادهای واضح به چشم می‌آید. اما به‌مرور زمان و برائر مقایسه با چاپ‌های اول متوجه برخی تغییرات شدیم که در حروفچینی چاپ اول و بدون اطلاع ناشر ایجاد شده بود. مثلا یک شعر جا افتاده بود یا مثلا جای دو شعر در «قطع‌نامه» عوض شده یا کلماتی تغییر داده شده بود. این قبیل موارد در یک‌بار خواندن به قصد نمونه‌خوانی مشخص نمی‌شود و لازمه‌اش این بود که کل مجموعه‌اشعار را با تک‌تک دفترهای شعر که در گذشته منتشر شده بود، تطبیق دهیم. ضمنا باید به یادداشت‌های پایانی دفتر شعرها هم اشاره کنم که در چاپ‌های قبلی مجموعه‌اشعار برخی از یادداشت‌ها منتشر نشده بودند. این‌ها همه اتفاقاتی است که بعد از شاملو روی داد و اینجا بود که تازه می‌شد هم چرا شاملو به من می‌گفت حواست به انتشار شعرها باشد.

**■ به‌طور کلی آیا شما بر تمام آثار شاملو نظارت دارید و اشتباهات احتمالی کتاب‌های دیگر را هم اصلاح کرده‌اید؟**

بله. من و همکارم در این سال‌ها به مرور اغلب کتاب‌های شاملو را به دقت اصلاح کرده‌ایم. بالطبع، در کتاب‌های دیگر هم حافظه‌ادبی و اشتباهات تایپی وجود داشت که در طول این سال‌ها اغلب اصلاح شده است. به جز «کتاب کوچه» که جدا از دیگر آثار است. در سال‌های اخیر همان را کداشته‌ایم بر آنکه یکایک کتاب‌های شاملو را به دقت اصلاح کنیم و نسخه‌ای منقح برای چاپ‌های بعدی در اختیار ناشرها قرار دهیم. از ناشرهای آثار شاملو خواستیم هر کتابی از او را پیش از تجدید چاپ برای اصلاح و غلط‌گیری به ما برسانند. یکبار من و یک‌بار هم خانم سپهری آنها را با چاپ‌های قبلی و اصلاحات احتمالی مؤلف در کتاب‌ها مطابقت داده‌ایم و هر اشکال و کموکاستی بوده برطرف کرده‌ایم. ناشر کتاب را برده و نسخه‌ای را که اصلاحات در آن اعمال شده برای بازخوانی آورده و به این ترتیب کتاب بارها رفته و آمده تا کاملا بدون اشتباه چنان منتشر شود که شایسته نام کرل‌فرد شاملو و حق مخاطبان گرامی آثار اوست.

**■ اگر اشتباه نکنم شاملو در زمان حیاتش در برخی از شعرهایش که پیش‌تر منتشر شده بود هم تجدیدنظرهایی می‌کرد و دوراقه‌ای او در چاپ‌های جدیدتر برخی از دفترهای شعرش اصلاحاتی انجام می‌داد. آیا معیار شما در تنقیح شعرها، آخرین نسخه‌ای است که در زمان حیات شاملو منتشر شده بود؟**

بله، ما بر اساس آخرین نسخه‌هایی که شاملو در زمان حیاتش دیده بود و با درنظرگرفتن آخرین تغییراتی که او در شعرها به وجود آورده بود، دست به تطبیق و اصلاح زدیم.

**■ «کتاب کوچه» در چه مرحله‌ای است؟**

کار «کتاب کوچه» خیلی آهسته پیش می‌رود، چراکه کارهای خیلی زیاد، وقت‌گیر و دقیقی هست. کار هر مجلد کتاب کوچه با استخراج و تنظیم فهرست مدعیات پیشین هم کلمه (مدخل، حرف جدید فارسی) می‌شود... سپس به کار آماده‌سازی فیش‌های شاملو می‌پردازیم که شامل یادداشتی ارجاعات، شاهد مثال‌ها و مابعی است که او خود برای برخی مدخل‌ها یادداشت کرده و نیز پیدا کردن مترادف‌های هر مدخل، ارجاعات درون‌متنی و فرنس‌ها، پس از این مرحله نوبت به مرتب‌کردن و شماره‌زدن فیش‌ها می‌رسد و سپس تهیه و تنظیم فهرست‌ها که شامل فهرست تزکیات و اصطلاحات، فهرست موضوعی، فهرست اعلام، کتابشناسی و... است. این کار زمان و کار زیادی می‌برد. بعد از همه این‌ها اصلاح و غلط‌گیری هم را می‌برد و کار را حروفچینی و صفحه‌بندی می‌کند و تازه، کار نمونه‌خوانی نسخه حروفچینی‌شده آن حرف آغاز می‌شود که کاری است بسیار دقیق و با یکی، دو بار خواندن به‌درستی و با کیفیتی که مد نظر ماست. قطع و کلمه مقایسه کردیم. در واقع یک‌بار من این کار را انجام دادم و یک‌بار هم همکارم، خانم سپهری. کل مجموعه را و او به واو با نسخه‌های چاپ و اصلاح‌شده پیشین مقایسه کرد. همه این اصلاحات از چاپ سال ۱۳۹۷ در این اثر اعمال شده و حالا دیگر امید داریم که در آن متوجه می‌شدیم که بعضی کلمات شعر تغییر داده شده یا جای سطرها و مواردی در توضیحات انتهای کتاب پس و پیش شده است.

**■ این غلط‌ها فقط در چاپ مجموعه اشعار وجود داشت یا در ترجمه‌ها و نمایش‌نامه‌ها و دیگر آثار هم این غلط‌ها دیده می‌شود؟**

در ترجمه‌ها اگر اشتباهی وجود داشته باشد، اشتباهات تایپی است و مواردی جزئی که معمولا هنگام چاپ کتاب پیش می‌آید اما در چاپ‌های اولِ مجموعه اشعار حروفچین کارهایی کرده بود که چون انتظارش نمی‌رفت ما هم زود متوجه‌شان نشدیم و به این ترتیب مدتی طول کشید تا توانستیم مجموعه اشعار را به طور کامل اصلاح و اشکالات آن را برطرف کنیم. انتشارات نگاه که نام مجموعه اشعار شاملو را هم‌زمان با این اشتباهات از انتشارات ثالث اجازه گرفت و باز دوباره ما اشتباهات نشدن‌ها را تا امروز براساس چاپ شده است. در چاپ آخر مجموعه اشعار شاملو در نشر نگاه تمام غلط‌های موجود در کتاب با نظارت آیدا شاملو اصلاح شده است و حالا این‌ها همه اتفاقاتی است که بعد از شاملو روی داد و اینجا در زمان حیات شاعر منتشر شده بود. به چاپ رسیده است.

**■ به‌مناسبت تجدید چاپ «بام بلند هم‌چراغی» و همچنین انتشار بدون غلط مجموعه اشعار شاملو در نشر نگاه، با آیدا شاملو گفت‌وگو و از او درباره نظارت بر چاپ آثار شاملو و همچنین انتشار «کتاب کوچه» سؤال کردایم.**

بله. من و همکارم در این سال‌ها به مرور اغلب کتاب‌های شاملو را به دقت اصلاح کرده‌ایم. بالطبع، در کتاب‌های دیگر هم حافظه‌ادبی و اشتباهات تایپی وجود داشت که در طول این سال‌ها اغلب اصلاح شده است. به جز «کتاب کوچه» که جدا از دیگر آثار است. در سال‌های اخیر همان را کداشته‌ایم بر آنکه یکایک کتاب‌های شاملو را به دقت اصلاح کنیم و نسخه‌ای منقح برای چاپ‌های بعدی در اختیار ناشرها قرار دهیم. از ناشرهای آثار شاملو خواستیم هر کتابی از او را پیش از تجدید چاپ برای اصلاح و غلط‌گیری به ما برسانند. یکبار من و یک‌بار هم خانم سپهری آنها را با چاپ‌های قبلی و اصلاحات احتمالی مؤلف در کتاب‌ها مطابقت داده‌ایم و هر اشکال و کموکاستی بوده برطرف کرده‌ایم. ناشر کتاب را برده و نسخه‌ای را که اصلاحات در آن اعمال شده برای بازخوانی آورده و به این ترتیب کتاب بارها رفته و آمده تا کاملا بدون اشتباه چنان منتشر شود که شایسته نام کرل‌فرد شاملو و حق مخاطبان گرامی آثار اوست.

**■ اگر اشتباه نکنم شاملو در زمان حیاتش در برخی از شعرهایش که پیش‌تر منتشر شده بود هم تجدیدنظرهایی می‌کرد و دوراقه‌ای او در چاپ‌های جدیدتر برخی از دفترهای شعرش اصلاحاتی انجام می‌داد. آیا معیار شما در تنقیح شعرها، آخرین نسخه‌ای است که در زمان حیات شاملو منتشر شده بود؟**

بله، ما بر اساس آخرین نسخه‌هایی که شاملو در زمان حیاتش دیده بود و با درنظرگرفتن آخرین تغییراتی که او در شعرها به وجود آورده بود، دست به تطبیق و اصلاح زدیم.

**■ «کتاب کوچه» در چه مرحله‌ای است؟**

کار «کتاب کوچه» خیلی آهسته پیش می‌رود، چراکه کارهای خیلی زیاد، وقت‌گیر و دقیقی هست. کار هر مجلد کتاب کوچه با استخراج و تنظیم فهرست مدعیات پیشین هم کلمه (مدخل، حرف جدید فارسی) می‌شود... سپس به کار آماده‌سازی فیش‌های شاملو می‌پردازیم که شامل یادداشتی ارجاعات، شاهد مثال‌ها و مابعی است که او خود برای برخی مدخل‌ها یادداشت کرده و نیز پیدا کردن مترادف‌های هر مدخل، ارجاعات درون‌متنی و فرنس‌ها، پس از این مرحله نوبت به مرتب‌کردن و شماره‌زدن فیش‌ها می‌رسد و سپس تهیه و تنظیم فهرست‌ها که شامل فهرست تزکیات و اصطلاحات، فهرست موضوعی، فهرست اعلام، کتابشناسی و... است. این کار زمان و کار زیادی می‌برد. بعد از همه این‌ها اصلاح و غلط‌گیری هم را می‌برد و کار را حروفچینی و صفحه‌بندی می‌کند و تازه، کار نمونه‌خوانی نسخه حروفچینی‌شده آن حرف آغاز می‌شود که کاری است بسیار دقیق و با یکی، دو بار خواندن به‌درستی و با کیفیتی که مد نظر ماست. قطع و کلمه مقایسه کردیم. در واقع یک‌بار من این کار را انجام دادم و یک‌بار هم همکارم، خانم سپهری. کل مجموعه را و او به واو با نسخه‌های چاپ و اصلاح‌شده پیشین مقایسه کرد. همه این اصلاحات از چاپ سال ۱۳۹۷ در این اثر اعمال شده و حالا دیگر امید داریم که در آن متوجه می‌شدیم که بعضی کلمات شعر تغییر داده شده یا جای سطرها و مواردی در توضیحات انتهای کتاب پس و پیش شده است.

**■ این غلط‌ها فقط در چاپ مجموعه اشعار وجود داشت یا در ترجمه‌ها و نمایش‌نامه‌ها و دیگر آثار هم این غلط‌ها دیده می‌شود؟**

در ترجمه‌ها اگر اشتباهی وجود داشته باشد، اشتباهات تایپی است و مواردی جزئی که معمولا هنگام چاپ کتاب پیش می‌آید اما در چاپ‌های اولِ مجموعه اشعار حروفچین کارهایی کرده بود که چون انتظارش نمی‌رفت ما هم زود متوجه‌شان نشدیم و به این ترتیب مدتی طول کشید تا توانستیم مجموعه اشعار را به طور کامل اصلاح و اشکالات آن را برطرف کنیم. انتشارات نگاه که نام مجموعه اشعار شاملو را هم‌زمان با این اشتباهات از انتشارات ثالث اجازه گرفت و باز دوباره ما اشتباهات نشدن‌ها را تا امروز براساس چاپ شده است. در چاپ آخر مجموعه اشعار شاملو در نشر نگاه تمام غلط‌های موجود در کتاب با نظارت آیدا شاملو اصلاح شده است و حالا این‌ها همه اتفاقاتی است که بعد از شاملو روی داد و اینجا در زمان حیات شاعر منتشر شده بود. به چاپ رسیده است.

یک کتاب، دو نویسنده: **چمدان** بزرگ علوی، به‌روایتِ احمد غلامی و سعید رضوانی

# سماجتِ تاریخ

**برای نویسندگانی که قصه‌گویی در داستان برایشان اهمیت دارد، بزرگ علوی می‌تواند بر معنوی و راهگشای آنان باشد. آنچه در داستان‌های این نویسنده جسّمگیر است، همانا اصرار او بر قصه‌گویی و ایجادِ جذابیت در روایت است. بزرگ علوی با مهارت داستان‌هایش را با طرح و توطئه پیش می‌برد. داستان‌هایی که به‌سُرعت پیش می‌آید خواننده پیش از تمام‌شدن آنها، کتاب را زمین بگذارد و به دنبال کاری دیگر برود. این سبکِ قصه‌گویی و ایجاد گره‌های پرکشش در داستان، آن‌هم در حدود هشتادوهشت سال پیش در داستان‌نویسی ایران خیرت‌انگیز به نظر می‌رسد. حتی می‌توان ادعا کرد داستان «چمدان» بی‌کم‌وکاست داستانی امروزی‌تر از داستان‌های امروز است. داستان‌های بزرگ علوی در کنارِ عامل قصه‌گویی، کرافتگی و جذابیت و کشش حاوی دیدگاه‌های سیاسی و روان‌شناختی هم هستند. دیدگاه‌هایی که مخاطبان خود را وامی‌دارد تا با قرائت‌هایی از این منظر به عمق داستان‌ها و از نزدیک شوند و این دیگر بستگی به ذوق و سلیقه و دیدگاه مخاطب با منتقدی دارد که سروکارش به داستان‌های بزرگ علوی می‌افتد. با دکتر سعید رضوانی دربارهٔ مجموعه داستانِ چمدان به گفت‌وگو نشسته‌ایم که می‌خوانید.**

**احمد غلامی: داستان بزرگ علوی قابلیت آن را دارد که حتی اگر ترجمه‌ای از یک نویسندهٔ غربی هم باشد، دست‌کم بخش‌هایی از آن را با شرایط آن روز ایران انضمامی کرد. نگاه به‌روز داستان «چمدان» به زندگی نگاهی شی‌واره است و این شی‌وارگی را تعمّداً می‌کند. به‌خصوص زمانی که نویسنده‌ها بخش‌های شی‌واره را به میان می‌کشد. این طرز نگاهی تجلی درخشان‌تری پیدا می‌کند. به‌تعبیر دلوز «زندگی مقاومت در برابر حاکمیت می‌شود آنگاه که حاکمیت زندگی را همچون شی، تلقی کند». اما عشق همان چیزی است که نباید به قاعدهٔ شی‌شدگی تن بدهد. اما می‌دهد. اینجا «پول» همان شی‌ءای است که همچون عصای جادویی به هرچه می‌خورد آن را تبدیل به خودش می‌کند. از چنین خودش ولی با میزان‌هایی متفاوت. از همین‌جا می‌خواهم کبریتی به داستانِ «سرباز سربی» بزنم تا موضع بزرگ علوی را درباره پول و اینکه ابطال‌اش با انسان و زندگی آکاهانه است، نشان بدهم. داستانِ «سرباز چوبی» داستانی است که بعدا به آن خواهیم پرداخت، اما در حاشیه این داستان راننده و شاگرد شوفری وجود دارند که ترازوی سنجش آدم‌ها را با پول کرایه‌شان می‌سنجند. این تأکید دوباره علوی بر پول است و این تأکید با عقل بر اینکه او نویسنده‌ای چپ‌گراست معنای عمیق‌تری به داستان می‌دهد: «کاهی اتومبیل‌ها هنوز بر نشده بود و اجبارا به زهر اوفاه‌تلخی مسافرین تا نزدیک چهارراه حسن‌آباد می‌رسید. در این صورت شاگرد شوفر البته کاملا مواظب بود که کجا مسافری می‌خواهد سوار شود. اتفاقا اگر نمی‌دید. شوفر می‌گفت: حواست کجاست؟ بالا ده شاهی را بیندار تو و یا ده شاهی را از سر راه بردار. در هر صورت این ده شاهی خیلی تکرار می‌شد و البته مقصود از ده شاهی مسافر بود». اما جایگاه عشق در داستانِ «چمدان» کجاست. جایگاه عشق برای پسر گشودن راهی یا آغوشی برای رهایی از ناممکن‌هاست. خلق کاهان‌های تازه نه حتمی در ازدواج و نه حتی در اشیایی کران‌قیمت اینجاست به گردن کاتوشکا. از چیزهایی که پسر را مجذوب خود می‌کند اسم «کاتوشکا اسوالووا» است که آهنگ خاصی دارد: «با پدرم می‌رویم به سیتو برای دیدن کاتوشکا اسوالووا ... اصلا خود این اسم آهنگ دارد؛ کاتوشکا ... اسوالووا». با تعبیر شما از «چمدان» مخالف نیستم. شاید به واقعیت داستان هم نزدیک‌تر باشد. اما مایلم تصورم را از این گفته دلوز هماهنگ کنم که «عمیق‌ترین لایه‌های وجود آدمی را زهای خفیر و پست شکل می‌دهد». کاتوشکا در مواجهه با پسر تلاش می‌کند با دروغ‌های فریبندهٔ خود، این رازهای حقیر و پست را پنهان کند و پدر با آن وقار درنهایت در به شی‌وارگی می‌دهد که ساختهٔ خودش است و پسر، با اورین چمدان او و رساندنش به مقصد، پرده از رازهای حقیر و پستِ پدر برمی‌دارد.**

**رضوانی: اینکه شما می‌گویید چمدان نسل قدیم و نسل جدید که من هم به آن اشاره کردم و گفتم اینجا در مسئلهٔ ازدواج و خانواده مصداق پیدا کرده، طبعا موضوع عشق را نشان می‌دهد. پسر این عشق را ملاک و معیار می‌داند و معتقد است رابطهٔ دن و مرد باید برپایهٔ آن باشد. اما آنچه را ایراد کردید درباره‌ی این مسئله، بعد خواهم پرداخت. من آن‌قدر تو را دوست دارم، که نمی‌توانم تو را بخرم». یعنی اینکه حتی اگر پول داشتم از آن برای به‌دست‌آوردنِ تو استفاده نمی‌کردم. کوشش پسر برای استقلال از پدر به‌جایی نمی‌رسد. کماکان از پدرش جدا نمی‌گیرد. پسر امیدوار بوده دست‌کم در حیطهٔ عشق و روابط عاشقانه استقلال عمل داشته باشد و مغلوب پدر و ارزش‌های او نشود. اما در این حیطه نیز شکست می‌خورد. علوی در این داستان به تأسی از نسل جوان خود و تأکیدش بر غرب به این نکته اشاره دارد که نسل قدیم با سلطه بر نظام اقتصادی مانع استقلال نسل جدید و حاکم‌شدن ارزش‌های جدید بر جامعه می‌شود. درنهایت پسر چراهای نمی‌بیند جز اینکه با پذیرش شکست، خود غرور و کراماتش را به حد اسکان حفظ کند. او پدر، کاتوشکا و مادر کاتوشکا را به یکدیگر وامی‌گذارد و خود در طرف دیگر می‌ایستد.**

**غلامی: برای بزرگ علوی (نویسنده) فقط پدیده‌ای که برای اولین‌بار پدیدار می‌شود یا به تجربه درمی‌آید، اصالت دارد. اصالتی که هرگز تکرار نخواهد شد و بعد از آن هر شیء یا رویدادی صورتِ دوبارهٔ آن خواهد بود. تجربه‌هایی همچون اولین عشق یا اولین صید. در داستان «عروس هزار داماد» سوسن زنی است که برای داستان را در نحوانی محور صدایش می‌کند. با سحر این صداست که قهرمان مرد داستان به نوازندگی روی می‌آورد و دست آخر نوازنده می‌شود و حتی به‌واسطهٔ همین صداست که با سوسن ازدواج می‌کند. سوسن نه از زیبایی بهره‌ای دارد و نه از ظرافت. صرفا همان صدا یا اولین آواز اوست که رای را فریفته خودش می‌کند اما هرگز این صدا تکرار نخواهد شد. نوازنده‌ها و بارها دچار تعجب می‌شود و دیگر بی‌اختیار با تکرار کند. اما تلاش‌هایش ناکرده‌ام می‌ماند. سرانجام نوازنده قید سوسن را می‌زند و بود و نبودش را نادیده می‌گیرد. سوسن نیز به کم دیگری تبدیل می‌شود. به زنی که با سوسکی (رقاصه و پیشخدمت کافه بار) می‌شود. بعد به این داستان بازخواهم گشت. در داستان «سرباز سربی» هم مشابه همین رویداد، اما از جنس دیگری رخ می‌دهد. زن، سرباز سربی‌ای را که همسر سابقش به او داده که می‌گشد. مرد قهرمان داستان برای حفظ زن تلاش می‌کند؛ «کوکب» که حالا در خانه او کلفتی می‌کند و مهمتر از آن تجسمی است از نقش مادر. مردهای که مرد او را دیوانه‌وار می‌پرستید. مرد برای حفظ کوکب دست به ساختن مجسمه‌های سربی دیگری می‌زند اما کوکب هیچ‌کدام از آن سرباز‌های سربی را نمی‌خواهد. او سرباز سربی قدیم را می‌خواهد. از نظر نویسنده آدم‌ها، اشیا و پدیده‌های تکین تکرارناشدنی‌اند. گویا ذات یا جوهرهٔ اصلی هر چیز، تکین‌بودن آن است که بعد از فشاردن یا ازدست‌رفتن دیگر پدیدار نخواهد شد. همچون آدم و حوایی که از بهشت رانده شدند و هرگز به آن جایگاه برنخواهند گشت. این تکین‌بودنی رخدادی است در زندگی آدم‌ها که فقط یک‌بار تکرار خواهد شد. بزرگ علوی بر اساس این ایده رابطه‌ای مابلوغیانی را شکل می‌دهد. مادری تکین که هم زن است، هم مادر، هم همچیز یک مرد. کوکب قادر به درک این تکین‌بودگی و فهم و هضم این رویداد نیست و با وحشت از دست مرد می‌گریزد. چراکه او قادر نیست نقش آدمی تکین را به‌شکلی جعلی بر عهده بگیرد. رخدادها لحظه‌های ناب‌اند که تکرار نمی‌شوند. باز به این دو داستان از زوایای دیگر برمی‌گردم.**

**رضوانی: این بار هم می‌خواهم ضمن موافقت با قرائت شما قرائتی دیگر از این دو داستان ارائه کنم و صلابته این امتیازی است برای ادبیات داستانی بزرگ علوی که آثارش به تفسیرهای متفاوت راه می‌دهد. شما از فریفتگی شخصیت‌های داستان‌های «عروس هزارداماد» و «سرباز سربی» نسبت به تکین‌بودگی و اصالت پاره‌ای از پدیده‌های زندگی صحبت می‌کنید و به این ترتیب برای این شخصیت‌ها حساسیت و آگاهی ویژه‌ای قائل شده‌اید که عموم مردم از آن محروماند. در تفسیر دیگری می‌توان از «فرومادگی» شخصیت‌های «سارژن» در داستانِ «عروس هزارداماد» و «ه» در «سرباز سربی» سخن گفت. این شخصیت‌ها فاقد نبوغ‌اند. روند سالم و طبیعی رشد روانی و شخصیتی را از سر بگذرانند. یعنی نتوانسته‌اند، مانند غالب افراد جامعه از تجربیات اولیهٔ عبور کنند و به مراحل بعدی زندگی وارد شوند. بالطبع شوند و شخصیت کاملی از خود بروز دهند. هردو در خود و در آن تجربهٔ اولیهٔ فرومانده‌اند. یکی تمام عمرش را در حسرت و اشتیاق آزادی می‌گذراند که در کودکی از دخترکی شنیده و دیگری تا آخر امیر عقلی مادرش می‌ماند. هیچ‌یک از این‌ها قادر به برقراری رابطهٔ عاطفی و جنسی سالمی با جنس مخالف نیستند. می‌بینید که در این تفسیر شخصیت‌های «سارژن» و «ه» نه اصالتی‌اند یا حساسیت خاصی و خوفانگاه. بلکه افرادی هستند که روند رشد شخصیت آنها مختل شده و متوقف مانده است. اما این دو شخصیت اساسا تمامی تفاوتشان در چنبه‌های قدیمی‌ای است که این دو داستان جنبهٔ تاتولوژیستی کار گرد. ازجمله شایان ذکر است که این دو داستان جنبهٔ تاتولوژیستی کار علوی را نمایان می‌کنند. جنبه‌ای که گاه کمرنگ‌تر و گاه پررنگ‌تر است. اما منکر آن نمی‌توان شد. در «عروس هزار داماد» تاتولوژیسم در تاکید بر ضعف فرد و ماتژودن او از قوایی خلوه می‌کند که سرنوشتش را بدون اختیاری و تاثیر خودش رقم می‌زند. سارژن در «عروس هزارداماد» درباره آدم‌های حقیر در اتاق مهمانخانه یا رستوران می‌اندیشد: «همه این‌ها پیچ و مهره کوچکی در کارخانه غریبی‌اند. هرکدام از آنها به فرط مخصوصی بدیرند کشانده». در ادامه از زبان راوی می‌شنویم: «اسوالووا» پهلوی خودش فکر می‌کرد: یک روز می‌آید که ما حرف و یا به قوه‌هایی بدیرند کشانده است؟» و چند صفحه بعد، وقتی سارژن دچار توهم می‌شود و دیگر بی‌اختیار سار می‌زند، می‌خوانیم: «[سارژن] انتقام می‌خواست بکشد از آن عواملی که او را به این روز انداخته‌اند». شاید عده‌ای بکویند علوی اینجا به‌عنوان نویسندهٔ چپ‌گرا از جبر جامعه سخن می‌گوید که قوه مقهور آن است. در هر صورت نتیجه تاتولوژیسم شده است. زیرا قوه اختیاری از خود ندارد و اسیر نیروهای خارج از خود است. در «سرباز سربی» هم این «تقدیرگرایی» تاتولوژیستی هست. «ف» می‌گوید: «من به این زندگانی محکوم بودم. روز اول که داخل زندگانی شدم، نشونه‌های من در آنجا در زیر دست آن پدر، در دامنِ آن مادر، تمام این‌ها مرا وادار می‌کرد که بُن چنین خط مشی‌ای در زندگانی اختیار کنم. تمام آن علت‌هایی داشت. من بیچاره بازیچه بودم». اما در «سرباز سربی» تاتولوژیسم از حدود «تقدیرگرایی» فراتر می‌رود و کامل می‌شود. علوی اینجا بلشتی و نکبت ناشی از فقر را نیز به‌دقت توصیف می‌کند تا این از ویژگی‌های آثار تاتولوژیستی است. نکته آخر اینکه «سرباز سربی» بلحاظ تکنیک بسیار درخور توجه است و برتری علوی بر اغلب نویسندگان هم‌دو